

کودکانی که وَالسَّابِقُونَ شدند

چه هنری از این بالاتر که فرزندان را در این سراط اجتماعی
جامعه و باطنی که پدر و مادر همدیگر دشمن، مومن و حافظ قرآن
تربیت کنند؛ کاری که پدر و مادر شهیدان بوسیله سرش هر شب
تلاوت سوره و آیه می خوانید می گوید: «پسر کوچکم
ایمیر محمد علاقه خاصی به این دهم این سوره داشت،
«الستایقون» التسمیون». بارها روزه معانی این را در مادرش
سوال می کرد و هر دو مهربان و ازان کودکانه می گفت یعنی کسانی
که راه را خوب می کنند از همه جلو هستند. اینها به خدا
تکیه کردند. شما هم می توانید با کارهای خوب تو زندگی
پیشتان باشد».

مادر، درست می گفت پسرانش و السابقون شدند و خدا آنها را پیش خودش برد. پدر شهید در ادامه استعداد ویژه و پرورشش را یادداشت می گوید: «دستی بود که امری محمدم می گفت دوستم دارم منی که ایهای قران را بدانم، ما هم برای رفتن توضیح می دادیم. برای حفظ سوره ها، کافی بود یک یا دو بار سوره را کامل از بران می خواند. دوست داشتند دقیقه، دقیقه، سوره را برایشان می خواند. در کمتر از ۱۰ دقیقه، سوره را کامل از بران می خواند. دوست داشتند معنی بدهند. برنامه محفل شون و پای ثابت برنامه حسینیه معنی بودند. فکر کنم یک روز قبل از شهادت بچه ها بود که در برنامه محفل قبل از افطار، از شهیدای جنگ ۱۲ روزه روایت می شنیدیم. پسران خیس کش شد. از جنگ ۱۲ روزه به روایت می شنیدیم که بچه ها با چشم خودشان قساوت صهیونیست های بزرگ کش را دیدند، پسر بزرگ می گفت می خواهم نزدیک شوم و موشکی بسازم و کار این آمریکا و اسرائیل را بکسرم»

ماجرای گل‌های مزار شهدای گمنام

پدر شهید را در ادامه به ماجرای عجیبی از شهدای گمنام
 شهرستان شاهرز کرده و می‌گوید: «چند ماه پیش در سنگتی
 به همراه یک هوسران بدربیم به زیارت شهدای گمنام در
 زادگاهمان شهرستان رستم، دو خاکی گل مصنوعی که
 حدود چهار ماه در ماشین جا مانده بود را هم با خود سر
 بردم. آنجا نخستینیت و از شهدا خواستیم برای قلب
 بی‌بی‌یایم و آنجا خواب‌های منبت‌ها که کنند. فردی آن روز،
 خواب‌های زنگ زد و گفت خواب همراهی شهدای گمنام در
 سنگتی به‌جا را دیده‌است. شنیدن این خواب از زبان خواهرم
 که بی‌بی‌یایم را اطلاع از رفتن ما به مزار شهدای گمنام بود، کمی
 قلمبان را گرم کرد.»

خودسازی به سبک شهدا

کتاب «خودسازی به سبک شهدا» که به قلم زهرا موسوی از نشر حماسه یاران منتشر شده، روایت‌هایی از زندگی شهداست؛ انسان‌هایی که با مراقبت از رفتار و گفتار خود، قدم به قدم در مسیر بندگی و تعالی پیش رفتند. این کتاب راهکارهایی ساده و عملی برای خودسازی و دوری از گناه ارائه می‌دهد.

کیمیای محبت

«کیمیای محبت» نوشته محمد محمدی ری شهری و منتشرشده از نشر دارالحديث، یادنامه‌ای ارزشمند از زندگی و سیره مرحوم شیخ رجیلی خیاط است. این اثر در ۴ بخش، ویژگی‌ها، تحول روحی و روش‌های خودسازی او را بیان می‌کند و راه رسیدن به حقیقت را نشان می‌دهد.

امیران من با هم پرکشیدند

روایت پدر شهیدان امیر علی و امیر محمد بوستانی از مدرسه میناب

الناز عباسیان | روزنامه نگار | داغی روز داغ: حکایت این روزهای خانواده‌های شهدای میهنیاب است که می‌نستند خانواده‌هایی که چندین عزیز و پارتوشتان را در مدرسه شجره طیبه (هویو) ناز خلیج فارس) از دست دادند. خانواده‌ها می‌نستند هم ۲ پسرشان را (علی و علی احمد، پسر هارفتند و خان‌خانانی مانده غرق سکوت و غم پسرهای فقط همین ۲ پسر را داشتیم. کمر شکست... پدر و مادر در فراق پسرهای مدام باقی‌ماند و دوشان را امشغول می‌کنند و تنها جایی که آرام می‌گیرند سوزن‌زار این روزها در گلزار شهدای شهرستان رستم آرام گرفته و آرام می‌نماید. پسر که در گلزار شهدای میهنیاب است آنکه دلش شکسته است و افتخار از یادش می‌رود.

نظر کرده امام رضا^(ع) بود

میرعمیرعلی کلاس چهارم بود. علاقه خاصی به اشعار حماسی داشت. امیر محمد مهییار کلاس دوم بود و همیشه دوست داشت قوی‌الاست داشت. به واسطه علاقه و اشتیاق قوی‌بال بود. زندگی‌اش بازی با توپ بود. همیشه دوست داشت بازی‌شان در خانه بلند بود. اما الآن نزدیک خانه هستند که خانه‌ام می‌خواهد و پدری را می‌خواهد. به واسطه علاقه و اشتیاق قوی‌بال بود. اما الآن نزدیک خانه هستند که خانه‌ام می‌خواهد و پدری را می‌خواهد. به واسطه علاقه و اشتیاق قوی‌بال بود. اما الآن نزدیک خانه هستند که خانه‌ام می‌خواهد و پدری را می‌خواهد.

بود. بهرگاه نگاه کردم انگار کارنامه اعیان
پسرم بود و مهر شهدادت خورده بود. خودم
همراه گروهی امدادی سمت آوار رفتم و
با دستپاسم سنگ و میله‌ها را کنار زده و
پسرها را صدا می‌زدم. تنها یک چیز برایم
تذاعی می‌شد ساعت گریلا بود. روضه مجسمه
شده بود. تقریباً صحنه آوار نیم‌دایره از ظهر بود
که دوباره با چند موشک گریلا مدرسه را زدند.
گفتند همه خانواده‌ها از مدرسه خارج شوند.
همسرم نمی‌خواست از کنار آوار دور شود.
من بدون هیچ‌گونه ترس و بیم، من
پسرها را صدا می‌زدم.

کاش پای قول‌شان نمی‌ماندند

به واسطه شغلی که دارم بیشتر اوقات در ماموریت هستم و به پسر ها سیر بدو هم مبادا از هم جدا شوید. همیشه کنار هم بودند وقت رفتن به مدرسه، کلاس فوتبال، هیئت و حتی شهادت حتی مزارشان هم کنار هم است. پسر یکسر کوچک و زود پیداشد اما میرعلی علی چند روز مفقود بود. مادرش امید داشت که میرعلی از مدرسه بیرون فرشته باشد چون خیلی از همکلاسی هایش روز نمانده بودند اما من مطمئن بودم که شهید شده ام! دانستم که از پدر از هم دور نی هستم. پسرایی که برای تولدی که من داده بودم می

و با هم رفتند. با وجود می‌گویی‌های کاش پای این قول نمی‌ماندند. بیکر پسر بزم گرم امیر علی نسبت به همکلاسی‌هایش سالم‌تر بود اما بعیرم برای امیر محمد که اربابا برافت و وقتی بیکرش را از زین آوار بیرون آوردند و نگاه به تن نحیف و رار بار و راه افتاد، نتوانست بلند شود. به یاد امام حسین (ع) افتادم. من سال‌ها حاجت‌خواهی در هیئت رازدار و هم‌ین‌خاطر پسرهای کودکی در هیئت زنگ‌گر گذراند. حالا هم به‌تازگی که آرام می‌خوابم به شنیدن رازهای شهدای کربلا می‌شنوم.

بفرمایید روضه

کتاب «فرماید روضه» مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه با موضوع فرهنگ‌گزشت عاشورا و ایثار و شهادت، به کوشش ابوالفضل رز خشنده، نویسنده آثار بسیار، در ماه مه، در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس منتشر و توسط انتشارات شب سرگرد، به این مجموعه، نوسندگانه‌ای تلاش کرده‌اند. این مجموعه، به همراه کتاب «فرماید روضه» و «فرماید عاشورا» از کتاب‌های خلاص و فرهنگ شهادت را برای مخاطب روایت کنند؛ روایت‌هایی که از یادآور ها و ارزش‌های عاشورایی شکل گرفته و می‌کوشد پیوندی میان ادبیات داستانی و فرهنگ مقاومت برقرار کند. «فرماید روضه» در ۱۸۲ صفحه به بهای ۱۸۰ هزار تومان منتشر شده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

«صدای گریه جمعیت هر لحظه بالاتر می‌رفت و جمعیت عزاراد محکم تر بر سینه‌هایشان می‌زدند. پس جوان ویلیجر بدش را به دستگیر کرد و به سوی کرا تاز میان جمعیت ابری باز و ویلیجر را به گوشه‌ای هدایت کند. امشب شروع به سرفه کرد و چندین بار دوشش را تکان داد و پسر بافلاصه اسیری تنفسی را به دستش رساند که با زدن چند پای در دهاشت نفسش دوباره جا آمد. سال ها بود که بدو اسگیزون و اسیری، پسر کشیدش برایش تبدیل به عنوانی بزرگ شده بود. محرابی چندین بار یادش تکرار می‌کرد: «مجموعه صحرای کرا» جسم شهیدان/ است/ شام غریبان است...» و جمعیت به‌صورت آهنگین تکرار می‌کردند. یکس با همان آواز شروع به سینه‌زدن کرد- در حالی که احساس می‌کرد به‌اشقار از دیدن آن همه آدم سیاهی می‌رود و یادش افتاد که قبلاً هم این صحرای را تجربه کرده است. یاد توفاش افتاد و روز بعد از عملیات، آن روز هم به‌بختی لای پلک‌هایش باز کرده بود. پس ششانش از دیدن آن همه جسد ریخته‌شده بر تن سوزان آن صحرای پهناور، رفته بود به‌بختی تن به‌تن و نیم‌جان و زخمی‌اش را روی زمین کشیده و بدنال پایتختی نشانی از حسین می‌خواستست کل صحرا را درنوردد. تازه داشت بدورستی به عیالی می‌آورد که چهره سرشان آمده، ری، درست بود. پس گذشتگی امیدوارم روفته بود. صدای مداح دوباره اوج گرفت: «محب به صحرای کرا می‌فتد...»

آخرین بوسه
تصویر خدا حافظی کودک
مینابی با مادرش در راه پله
بسیاری را به درد آورده است
لحظه خدا حافظی امیرم
بوستانی که حالا داغی
به دل مادر.

[illegible]

حاصل جدول شماره ۹۷۴

مرکبات: زمزمه کردن
 ۱۰- ماه دهم- فرماده رعیت- سیستم
 ۱۱- خوشحال- هلاک کننده-
 بارچه زخم‌پندی
 ۱۲- تلنگ- ستاره دنباله‌دار- اسب بارکش
 ۱۳- گریه و زاری- واهمه- فرزند صالح
 خودستایی- رماتی- از سیدنی شلدون،
 یوسئنده امریکایی
 ۱۵- ناطق- فرمان کشتی- مأمور نظم و قانون

جدول ۹۷۴۱ 

سبکی در موسیقی پاپ غربی
۱۳- شنا کردن- عزیز و
محترم- خسیس
۱۴- خالی نیست-
وول خوردن- شیرینی متداول
صفهائی ها هنگام نوشیدن
چای
۱۵- از تیم های فوتبال
پادشاهی ایتالیا- صاحب هنر-
همراه افاده

عمودی:
۱- شنیدافزار- چشم خواب آلود
شاعرانه- پشت سر هم
۲- تابلوی نقاشی رنگ روغن اثر
هنرمندانه ایران درودی- امر به
ففتن دارد
۳- گیسو- عروس آذری- زمان
آغازین

۵- نوعی بالا پوش- زوال پذیر-
شهر برج علاالدوله
۶- از وسایل حمل و نقل درون
شهری- ترساندن عمدی- میوه
خوب
۷- دانه چرکی ریز روی پوست-
شهر گلاب- ساخته شده از نقره
۸- آماس- حیوان معروف
سپانیا- فاقد شفافیت
۹- گریخته از روی ترس- از-

توضیح:
۱- شهری در کردستان- نوعی
نوع نوپا می‌باشد مسافربری از-
موتورپایان
۲- نیک‌خواهی- رشته فرنگی-
قد بر جستگی
۳- عارفان- قسمتی از فشنگ-
هرمان پسر سیرال سال‌های دور
خانه
۴- حشره‌های خونخوار- لگد
۵- بهاریا- نوعی شیرینی تبریزی
۶- نعلی- ساخته بهرام
۷- ضیائی- نام قدیم شهر جرم-
خاکفت کردن
۸- گروه- شیرینی سنتی
۹- بریز- هنرمند
۱۰- ترسا- شاعر مثنوی-
جاشنی غذایی
۱۱- کوه- آتشفشان ایتالیا-
موقوف با طرح و پیشنهاد-
اولاد نورانی شاهنامه
۱۲- نشانه مغولی- مجموعه
شعر معروف آندره- برتون-
هریضه‌نویس
۱۳- شهری در فارس- جاده
منوار و شن‌ریزی شده-
ایالت یونان
۱۴- باتری- جریان متناوب
۱۵- رنگ- تکه‌های مسیحیان
۱۶- پاندنه- با پنبه بکنداش-
۱۷- پاندنه-

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

						۴	۹		
۷			۹		۸			۶	
۸	۲		۱						
			۶						۱
					۷				
۵							۶		
						۱	۲	۴	
	۲			۴		۳		۹	
			۳	۵					

ا	ق	ي	ل	ا	ا	س	ب
ا	ق	ل	ب	س	ق	ق	ا
ب	ا	س	ق	ق	ا	ا	ل
ق	ق	ا	ا	ب	ل	ا	س
ا	ا	ب	ا	س	ل	ق	ق
س	ل	ق	ق	ق	ب	ا	ا
ا	ا	س	ب	ق	ا	ل	ق
ل	ق	ا	ا	ق	ا	ا	س
ق	ا	ا	ا	ا	ا	ب	ق

ا	ب	س	و	ل	ي	أ	خ
أ	ي	و	خ	س	ب	ل	ا
ل	خ	ا	ا	ا	ي	و	س
و	ل	ي	ب	أ	أ	أ	س
س	ا	ب	أ	أ	ل	ي	و
أ	أ	أ	ي	و	س	ا	ب
أ	و	ل	ب	ي	س	ا	ا
ب	س	ا	أ	أ	ل	ا	ي
ي	ا	ل	س	ا	و	ب	أ

٩							
	٢	٢					
٦	٨		١				
	٦	٥					
					٧		
		٣	٩				٥
	٣		٧	٢			
		٦	٢				٣
					٦	٩	٧

	٩	٧				٢	٤	
٣		٤		٨		٥		١
	٢		٨		٥		١	
		٥				٩		
	٣		٩		٧		٨	
٢		٨		٣		١		٧
	٤	٤				٨	٥	

سخت